در پشته جاگزین کردند . روس ها پس از این شکست ، جنرال " بنیرنلون گریسوف سیرگه " قوماندان عمومی قوای خانمانسوز سرخ در پنجشیر رااحضار کرده و هم اکنون در شکنجه‌گاه های سازمان جهنمی کا - جی - بی - بجرم بی کفایتی در تحت محاکمه قرار دارد وبجای او جنرال " نای مکسوف " را به حیث سردستهٔ آدمکشان ارتش سرخ تعیین نموده اند که عنقریب پوزهٔ وی باخاک مالیده شده وبه نصرت الهی روانهٔ جهنم مرگ خواهد شد . پس از شکست قوای " فراشوئی " دشمن که نقطهٔ عطف جنگ امسال بشمار میآید ، مجاهدین جانباز اسلام سلاح های ثقلیهٔ خود را داخل موضع ساخته و حملات خود را علیه " پوسته های امنیتی " مسیر تدارکاتی داخل دره و بم افگن های دشمن مراکز مجتمع آن آغاز نموده .مجاهدین با گذشتن از کنار پوسته ها داخل دره شده و جادهٔ تدارکاتی را مین گذاری کرده به تعقیب آن کاروان های حامل مهمات و مواد غذائی را زیر آتش سلاح های ثقلیه قرار میدادند . مجاهدین همچنان مراکز تجمع دشمن و انبارهای مهمات ذخیره گاه های دشمن را زیر آتش شدید سلاح های ثقلیه قرارداده و هم " عملیات غافلگیرانه " پس از نفوذ و تقرب به انبارها و پارکینگ های دشمن انجام داده که هم اکنون نیز جریان دارد . طی این درگیری ها مجموعا " صدها دستگاه تانک ، زرهپوش ، موتر و وسایط نقلیه منهدم شده و صدها تن مهمات درانبار های دشمن به آتش کشانیده شده است . بعد از آغاز این حملات قدرت حرکت و مانور " قوای موتوریزه و زرهی " دشمن در داخل دره بشدت تقلیل یافته تاآنجاکه قدرت پیشروی خود را به قسمت های وسطی و پائینی دره از دست دادند . آتش پیگیر سلاح های دافع هوائی قهرمانان اسلام تا اکنون بیش تر از دهها طیارات جت هلیکوپترهای جنگی دشمن سقوط کرده و درنتیجه حملات مکرر و آمادگی شبانه روزی سلحشوران اسلام هم اکنون میزان بمباران هوائی دشمن هشتاد فیصد تقلیل یافته ، زیرا دشمن بی اثر بودن آنرا در عمل درک کرده است . به این ترتیب

امتیاز هوائی دشمن اشغالگر نیز تا حدودی خدشه دار شده است.

مجاهدین دلیر "پوسته‌های امنیتی" دشمن را در سراسر منطقه زیر آتش دوامدار قرار داده تا جائیکه حتی لحظه‌ئی درشبانه روز از آتش سلاحهای نیمه سنگین و سنگین مجاهدین درامان نمی باشند. از طرفی منبع آب و تدارک مواد غذائی و مهمات قطع و یا محدود شده است. اجرای "عملیات کمین" در نواحی پوسته‌ها و فرار عساکر مسلمان با سلاح های شان ازجمله مسائلیست که قدرت دفاعی روس ها را بحداقل کشانده است.

عساکر مسلمان که با اتومبیل بزور به عسکری فرا خوانده شده و جبرا" به پنجشیر برای جنگ اعزام گشته‌اند، با اعدام انقلابی افسران جیره خوار دولتی و آتش زدن پوسته ها با سلاح و تجهیزات شان به برادران مجاهدخود می پیوندند. احساس اسلامی و میهن دوستی عساکر مسلمان، آنانرا وامیدارد که "خطر میدان های مین" و نیزلجوجانهٔ اجیران خود فروخته را در هنگام فرار متقبل شوند. مجاهدین با آغوش گرم از عساکر مسلمان پزیرائی کرده و با برخورد برادرانه واسلامی، آنانرا مورد تفقد قرار میدهند، عملیات منهدم ساختن پوسته ها به عنوان یک درگیری فرعی از طرف مجاهدین همچنان دوام دارد. محدودیت مواد غذائی و مهمات، فرار روز افزون عساکر و مرگ صدها تن ازاجیران در روزبه اثر آتش مداوم مجاهدین، پوسته ها توان مقاومت را از دست داده و درمعرض انهدام کاملی قرار دارد. قابل توجه است که از آغاز جنگ تا کنون، روس ها اجساد جیره خواران پرچمی، خلقی و صاحبمنصبان داخلی را از صحنهٔ جنگ منتقل نساخته واکثرا" طعمه کرم و مگس و سگ های لاشه خوار می شده‌اند. همچنان روس ها درمناطقی که بر افراد داخلی عملیاتی صورت بگیرد، قوای کمکی جدید نفرستاده و هیچ گونه حمایت هوائی به عمل نمی آورند. بدایـن ترتیب هم اکنون این افراد مجرای برای نجات نداشته و در دام وحشتناک وسیاه مرگ دست و پا می زنند. سرما و گرسنگی از یکطرف و آتش مرگ آفرین سپاهیان

اسلام از طرف دیگر کوچکترین روزنهٔ امید برایشان باقی نگذاشته‌اند .

دشمن سرکوب شده و به ذلت نشسته برای آنکه اسناد جنایت و شکست خورده خود را مخفی ساخته و از سقوط هرچه بیشتر افرادش ممانعتی کرده باشد، تانک ها ، طیارات ووسایط دیگر را که به اثر آتش جانبازان اسلام تخریب شده است یا بمراکز بیرونی خود منتقل می سازند و یا آن را با گذاشتن مواد انفلاقی منهدم ساخته و بدریا می اندازند ، تا بزعمه خودش اسناد جنایت و شکست مفتضحانه خود را از معرض دید مردم و مجاهدین وطن و افکار عمومی جهان بدور نگاه کند . ولی مردم و مجاهدین سراسر مسیر پنجشیر ـ کابل حتی در نیمه شب ها شاهد انتقال صدها دستگاه تانک ، موتر و طیارات تخریب شده و ده ها موتر حاوی اجساد پر خون افراد ارتش سرخ بوده‌اند که این بزرگترین سند شکست پرچم و رسوائی دشمن اشغالگر و مهاجم میباشد .

جیره خواران اشغالگر سرخ بنام اعضای حزب " دیموکراتیک خلق "!!! قبل از آغاز جنگ در پنجشیر درمورد جنگ و شیوهٔ حمله با هم اختلاف جدی داشته اند ، ولی پس از شکست رسواگرشان در پنجشیر دامنهٔ این اختلافات به تضاد شدید و درگیری مسلحانه کشانده شد. به این معنی که در یکی از اجلاس های حزب وطن فروشان ، با سلاح بجان هم افتاده تا " تضاد درونی حزبی " خود را با کشتار " رفقا " حل سازند . همانگونه که معتقداند تضاد درونی خلقی با کشتار مردم قابلیت حل پزیری دارد . در نتیجه درگیری مسلحانه ه بین " رهبران انقلاب زنجیر شکن ثور و مرحله تکاملی آن ،،!!! سردستهٔ ننگین وطن فروشان ببرک و تنی چند از باند جیره خواران وطنی زخمی و کشته شدند که بسرعت به پایتخت دشمن استعماری منتقل شده و در مسکو تحت تداوی قرارگرفتند. مزدوران وطن فروش پس از آنکه بجان هم افتادندکه درنتیجه صدها تن از اعضای باند پرچم را درکابل و شهرهای دیگر ترور کردند . این فرزندان ناخلف با تمثیل چنین صحنه هائی " مادر وطن " را داغدار و پدروطن را عزا دارکردند .

" مادر وطن "را کور شود و"پدر وطن"را بمیرد ، تا شاهد درگیری های بی‌ناموسان جیره خوار وبی پدران و بی مادران وطن فروش نباشد. وطن زنده باشد تا قهرمانی ها و سلحشوری های فرزندان مؤمن و رشیدش را در دشت و دامان لاله‌گون کوه ها و ارتفاعات سرخ شهادت دهد . و نظاره گر پیکار فرخنده جوانانی باشد که بر آشیانهٔ عنکبوتی دشمن چون عقاب بلند پرواز هجوم می برد و لانه پوسیده‌اش را درهم می درد .

همزمان با هجوم قوای فاشیستی سرخ در پنجشیر ما شاهد اوج گیری حملات مجاهدین در سراسر کشور بوده‌ایم . آغاز حملات مجاهدین درتمام کشور و بالخاصه درهرات یکتیا ، لوگر ، کندهار ، جلال آباد ، بغلان ، مزارشریف ، کندز و تشدید جنگ در اطراف کابل بشدت قابل تقدیر و در خور تمجید میباشد . این حملات در پخش کردن نیروها و آتش دشمن سخت موءثر است . آرزومندیم مجاهدین رشید اسلام در تمام نقاط کشور پایگاه های آسیب پذیر دشمن را زیر حملات خود گرفته و هر امکان تدارکاتی آنرا نابود ومنهدم سازند و مانع حرکت ستون ها و واحدهای نظامی دشمن ازیک نقطه به نقطه دیگر شوند .

خداوند توفیق بیشتر عطا کند و قدرت دهد ، تا علیه دشمن خون آشام به حملات هماهنگ و سراسری مبادرت ورزیم .

از تعاون و کمک های برادرانهٔ مسئولین ، مجاهدین و مردم در خارج و داخل کشور ، ابراز امتنان نموده ، از خداوندبزرگ و توانا اجر عظیم برای آن برادران طلب میکنیم و هم به آن عده فرصت طلبانیکه قهرمانان رشید اسلام ، به تبلیغات سوء دست می زنند ، یا ورودمحموله‌ها و افراد را به پنجشیر مانع می گردند و هنوز دست از تخاصمات شیطانی ومنافقانهٔ شان نه برداشته اند ، هشدارمیدهیم که به‌نصرت الهی فتح مجاهدین قریب است ، کاری نکنند که خودرا درمعرض خشم مجاهدین پیروز قرار دهند . هنوز هم دروازه‌های تفاهم وبرادری

باز است، دیر ناشده بیایند، تا وحدت، نظم و برادری به جنگ علیه دشمن مشترک بپردازیم، در غیر آن مسئولیت عواقب متوجه خود آنها خواهد شد. آنهائیکه بقول قرآن کریم کورانند و کرانند، نه حقایقی را می بینند و نه می شنوند و همگام با دشمن استعمارگر ما را هدف تهاجم مسلحانه و تبلیغاتی خود ساخته‌اند. وناشیانه آب به آسیاب دشمن کمونیستی می ریزند، نه جنگ نه اوربند، هیچکدام برایشان قابل توجیه نیست. در ماورای سرحدات و بدور از صحنه های گرم جهاد ناجوانمردانه و منافقانه دسیسه چینی کرده وبا تفسیر مغرضانهٔ آیات قرآن عظیم الشان پاکترین مجاهدین اسلام را مورد فحش و ناسزا قرار می دهند.

سکوت بی شرمانه وسایل تبلیغاتی وارتباطجمعی جهان و مجامع بین المللی را با جدیت محکوم کرده و آنان را بخاطرخاموشی و بی تفاوتی شان در برابر جریانات وحشتناک افغانستان و جنایات بی حد و حصر دشمن مذمت میکنم. ازسازمان ها، مجامع و کشورهای دوست و برادرخواهانیم که با اقدامات جدی، خود را در متن واقعیت های وحشتبار کشور ما قرار داده‌و با همهٔ اقدامات جدی، خود را در متن واقعیت های وحشتبارکشور ما قرار داده و با همهٔ امکان آنرا بمردمان جهان برسانند. وهم از مردم شریف و مسلمان وطن تقاضا داریم در داخل و خارج، اخبار، احوال و جریانات کشور را به همه وطن داران و مردم جهان برسانند و منتظر بوق های استعماری دشمنان نه نشینند.

به اعتقاد ما عنقریب دشمن محکوم به عقب نشینی و شکست فاحش است. دیگر دشمن قادر نیست که قوای شکست خورده و بی روحیه‌اش را دوباره سازمان داده و بطرف ما سوق دهد. برای دشمن دیگر امکانی باقی نمانده تا ماحصل جنگ باخته شده اش را به نفع خود تغییر دهد.

شکست برنامه های استعمارگران سرخ در اولین فرصت و نرسیدن آن ها به اهداف تعیین شده، تحفظ مجاهدین از آتش دشمن و آغاز " حملات پیشگیرانه "

اعلامیه امارت پروان کاپیسا

جمعیت اسلامی افغانستان

مبنی بر

هشتمین تهاجم روس‌ها بر دره پنجشیر

بخش فرهنگی امارت پروان کاپیسا

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله وحده والصلوه والسلام علی من لانبی بعده

قال الله تعالی فی قرانه الکریم :

(وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون . الایم)

درود فراوان بر روح شهدا عزیز اسلام و راه استقلال وطن که در معرکه های جهاد مقدس ، گرانترین توشه زندگی خود را در پیشگاه خداوند و ببهای نجات مردم پاک طنیت خویش ریختند .

و سلام بر همه همطونان دوراز وطن و مردمان رنجدیده که در راه صیانت و پاسداری از دستآوردهای جهاد بزرگ و مقدس اسلامی لحظهء غافل نمانده و سخت ترین و رقت آور ترین دردها و رنج ها را تحملکرده و آماده هر نوع قربانی در راه پیروزی انقلاب اسلامی و استقلال وطن عزیز هستند .

در بیرون از محدودهٔ پنجشیر ، شروع تعرضات سازمان یافته علیه دشمن ، فلج شدن قوای " دیسانت " دشمن و محدود شدن قدرت مانور قوای " موتوریزهٔ "، پایان یافتن تعرض دشمن و اتخاذ موضع دفاعی بوسیلهٔ آن ، روحیه سرشار و تلفات محدود مجاهدین ، پائین بودن مورال دشمن و رفتن ابتکار عمل از دست او ، - درگیری وتضاد در دستگاه استعماری رژیم دست نشانده او ، مساعد بودن شرایط جوی وارضی بنفع ما ، عادلانه نبودن آرمان و جنگ ، پشتیبانی و همکاری همهٔ اقشار کشور از ما و حمایت گستردهٔ جهانی از موضع ما همه و همه موجه ترین و منطقی ترین دلایلی مبنی بر پیروزی مجاهدین وانقلاب اسلامی درکشور ما میباشد درحالیکه دشمن هر روز بیشتر از پیش زیر آتش سپاهیان جان نثار اسلام یا بمرگ محکوم میشوند ویا به فرار و عقب نشینی مجبورمی گردند . و خلاصه درحالیکه ما از ایمان برتر ، هدف متعالی تر و از تعاون و نصرت الهی برخوردا ریم ، چگونه میتوانیم بر پیروزی حتمی خود وشکست نظمی دشمن معتقد نباشیم که خداوند "ج" فرموده است :

" نصر من الله و فتح قریب ط"

مرگ بر دستگاه امپریالیستی و سلطه گر روسیه در جریان داخلی آن
به پیش به سوی جنگ هم آهنگ و منظم و سازمان یافته در پناه ایدیولوژی اسلامی

اسد سال ۱۳۶۳ هجری شمسی



مجاهدین قهرمان و مردم متدین
و سلحشور وطن !

همانطور که مطلع هستید حمله هفتم دشمن که درماه ثور سال جاری آغاز شده بود به شکست قطعی دشمن و با پیروزی تاریخی ایثارگران اسلام به پایان رسید . حمله هفتم دشمن که برای به ثمر رساندن آن قوائی بسیار گسترده بسیج شده بود ، با تاکتیکها ، سلاحها و روشهای تازه و با وحشیگری های بی سابقه به جریان افتاد ، و با دو تهاجم وسیع دشمن بر مواضع مجاهدین به مرحله اجرا درآمد که ما آنرا یک حمله " دومرحله‌ای " نامیدیم . ما با قدرت الهی‌درجریان دفع حملات چنان ضرباتی بر پیکر خصم دون وارد آورده‌ایم که دشمن با جابجا گذاشتن بزرگترین رقم تلفات جانی و خسارات نظامی و مالی در تاریخ جنگهایش درکشور ما ، از هجوم دست برداشته و به وضعیت دفاعی کشانده شد . طبق محاسبات ما واطلاعات بدست آمده طی حمله هفتم ، دشمن حدود هشت الی ده هزار نفر تلفات داده و حدود هزار دستگاه تانک و موتر منهدم و بیش از چهل دو فروند طیاره سقوط داده شده است .

دشمن پس از شکست مفتضحانه درحمله هفتم با ایجاد پسته های دفاعی و باختن روحیه وابتکار به عقب نشست . شکست درحمله هفتم عامل فزاینده بر تشدید تضادهای درونی دستگاه استعمارگر و دستگاه حکومت دست نشانده حساب می آید .

پس از شکست درحمله‌هفتم برای دشمن بیشتر از دو راه باقی نمانده بود :

اعتراف به شکست و بیرون شدن از دره پنجشیر ویا باقی ماندن در دره ، ادامه جنگ و تحمل خسارات و تلفات سنگین . ما پس از حمله هفتم

امکان حمله جدید دشمن را پیش بینی میکردیم . اطلاعات ما نیز این امر را تائید میکرد. ما برای دفع تهاجم جدید دشمن آماده‌گی کامل داشتیم و فرصت دادیم تا بار دیگر بقدرت الهی پیکر نیمه جان و درهم کوفته دشمن را زیر ضربه قرارداده و نیروهایش را به تحلیل بریم و پس از آن ، حملات تهاجمی خود را علیه پوسته ها ومراکز عمده دشمن آغاز کنیم . همان بود که دشمن دست به حمله هشتم به عنوان یک حمله فیصله کن زد . تا برای آخرین بار قدرت نظامی خود را آزموده و بودن و نبودن خود را توجیه کند .

از نظر ما انگیزه های اصلی این حمله که عمدتا" ناشی از شکست حمله هفتم دشمن است قرار زیر می باشد !

الف : شکست دشمن اشغال گر درحمله هفتم تمام محاسبات دشمن را مبنی بر انهدام پایگاه و نابودی چریکها غلط ثابت ساخت . تبلیغات گسترده و دیوانه وار دشمن که با دروغ ، افترا و قیل و قالهای کمونیستی همراه بوده نتوانست برای او راه و چاره دست و پا کند . باین ترتیب قدرت نظامی و تسلیحاتی دشمن و از طرفی هم اعتبار سیاسی و تبلیغاتی آن هر چه بیشتر مورد سئوال قرار گرفت . دشمن که لااقل ، یک سال تمام برای این حمله تدارک دیده و پیشرفته ترین تاکتیکها و تسلیحات جنگی را با کمیت گسترده افرادباین منظور بکارانداخته بود ، در عمل نتوانست به هیچ کدام از اهداف نظامی و سیاسی اش دست یابد. شکست در چنین جنگی که به قول یک تن از کارشناسان " بزرگترین درگیری روسها پس از جنگ دوم جهانی به حساب می آید "، دشمن را به شدت تحت تاثیر افکارعمومی مردم جهان و فشارناشی از تضادهای درونی دستگاه استعمار گر قرار داد . پس از شکست ، مزدوران داخلی بهاین نتیجه رسیدند که حتی اربابان بزرگشان نیز قادر به مهارساختن قدرت معنوی مجاهدین نمی باشند . این روحیه خود پایگاه استعمار گر سرخ را به اضمحلال میکشاند.

ناتوانیهای خرسهای شمالی درانهدام پایگاه های قهرمانان تاریخ ساز جبهه

توحید ، به مزدوران خود فروخته میافزود واین شکست برای ایشان پیام مرگ و دور نمای سیاه نابودی را به ارمغان می برد .

از طرفی مردم کشور استعمارگر روسیه دریافتند که قدرت افسانوی ارتش سرخ و طلسم شکست ناپذیری آن سرابی بیش نیست . دشمن برای مبارزه علیه این ذهنیت واعاده اعتبار وحیثیت از دست داده اش به حمله هشتم مبادرت ورزید ، تا مگر بتواند به اندک امتیاز و پیروزی دست یابد .

ب : پوسته های دشمن با حملات پی در پی مجاهدین تحت محاصره و فشار شدید قرار داشت ادامه آتش ، سردی هوا ، فرار روز افزون عساکر با سلاحهایشان ، کمبود مواد غذائی ، آب و مهمات و هم فقدان روحیه ، پوسته های دفاعی را در معرض انهدام قرار میداد . به این ترتیب پوسته ها دیگر قادر نبودند تا جلو عملیات مجاهدین غرض عقب راندن و حمله برمراکز عمده دشمن را سد نمایند : غیر موءثر بودن کارپوسته ها ، عاملیست که دشمن را به حمله هشتم واداشت . تا پوسته ها را تقویت و اکمال نموده و هم آتش مجاهدین را بر آن محدود سازد .

همانگونه که میدانیم جنگ اشغالگران روسی با مجاهدین در سراسر کشور نیاز به فرصت و پرسونل کافی دارد : سرازیر کردن شصت هزار عسکر و مصروفیت هزارها دستگاه تانک و موتر وصدها فروند طیاره در پنجشیر و درگیر چهار ماهه شان با مجاهدین ما ، جنگیدن در دیگر نقاط کشور را برای دشمن محدود میساخت . دشمن برای بیرون شدن از معرکه پنجشیر به حمله هشتم دست زد تا به این طریق به زعم باطل خود کارجبهه را یکطرفه ساخته و فرصت لازم برای اجرای عملیات در سراسر کشور داشته باشد تشدید جنگ در سراسر کشور مخصوصا " درمراکز و نواحی کابل که بر گسترده ترین سطح در شش سال گذشته رسیده بود ، دشمن را هرچه بیشتر تحت فشار قرار میدادتا از درگیری در - پنجشیر خود را رها سازد .

دشمن کمونیست اهمیت حیاتی برنامه پایگاه سازی جبهه را میدانست. با ادامه تعرضهای پی در پی دشمن در صدد آن بود تا جبهه را به انهدام بکشاند ویا حد اقل با مصروف نگه داشتن جبهه زمان اجرای برنامه ها را درجهت تکامل بخشیدن پایگاه ها به عقب اندازد.

دشمن برای رسیدن به موفقیت درحمله هشتم به یک سلسله زمینه چینی های دست زد که به آن مختصرا" اشاره میکنیم :

بعداز حمله هفتم و شکست دشمن و قبل از آغاز حمله هشتم ، دشمن به یک سلسله حملات محدود جنگ و گریز مبادرت ورزید. هدف عمده این جنگها آن بود تا ازین طریق ذخایر مرمی و مهمات مجاهدین به پایان رسیده و هم با ادامه این جنگها نیروی مجاهد را خسته و از صحنه منزوی سازد. وبه این ترتیب میخواست با نابودی دو عامل عمده در جنگ ، سطح مقاومت مجاهدین و آتش آنها را محدود ساخته و نتایج جنگ را بنفع خود تغییر دهد. در ضمن دشمن در نظر داشت تا تاکتیک جدید جنگ ضد چریکی را به معرض تجربه بگذارد.

دشمن راه های اکمالات جبهه را تحت مراقبت و فشار بیشتر قرار داد تا به این طریق تمام رفت و آمدها و اکمالات جبهه را قطع ساخته و جبهه را با کمبود مواد مورد ضرورت بکشاند.

دشمن اشغالگر برای اجرای حمله هشتم از دو امتیاز عمده برخوردار بود :

اول آنکه دشمن پنج پایگاه در داخل پنجشیر داشت .وجود این پنج پایگاه پیشروی و اکمالات دشمن را سهولت می بخشید.

دوم آنکه دشمن درجریان حمله هفتم تا حمله هشتم تجاربی کسب نمود که درحمله هشتم این تجارب را بکار انداخت.

دشمن خون آشام پس از شکست درحمله هفتم بخوبی دریافته بود که

واحدها و افراد ذیدخل درآن حمله به تمام معنی روحیه خود را ازدست داده اند لذا برای اجرای حمله هشتم قادرنبود افرادی را به جنگ سوق دهد که لذت تلخ شکست را چشیده بودند : بنا برآن اجرای حمله هشتم قوای تازه دم وجدید الورود خود را به میدان جنگ کشاند . هنوز حملات تهاجمی مجاهدین علیه اشغالگران به صورت هم آهنگ و وسیع آغاز نشده بود ، که دشمن به تاریخ چهارده سنبله حمله هشتم خود را آغاز کرد. قابل یاد آوریست که دشمن ملحد در هرکدام از حملات پیشین خودتمام قوا را به سمت پنجشیر سوق داده و حمله خود را بر همین نقطه متمرکز میساخت : ولی درحمله هشتم با توسل به تجارب جنگهای قبلی اطراف و نواحی پنجشیر را . همزمان با آغاز تهاجم ، زیرحمله قرار دادو خواست اشتباهات گذشته را تکرارنکند . بدین ترتیب در مناطق خوست ، اندراپ ، نجراب ، بولغین ، سنجن ، ملیکو ، سالنگ و حد فاصل بین پنجشیر و لغمان ، در پشت دره ، در عقب کوتلها و در مسیر راه ها ، قوای دیسانت پیاده ساخت . ارتش فاشیست سرخ به امید آنکه با یک حمله وحشیانه و گسترده به داخل دره و دره های فرعی ، قادر خواهد شد ، نیروهای مجاهدین را جبرا " به عقب نشینی به پشت دره و مناطق دیگربکشاند و به خیال باطل خود همه مجاهدین را به صورت دسته جمعی و غافلگیرانه به دام مرگ بیاندازد و مقاومت را نابود سازد .

برخلاف سنجش و میل دشمن قوای دیسانت در اطراف و نواحی پنجشیر ، نه تنها هیچ دست آورد مثبتی برای دشمن نداشته ، بلکه پس از روبرو شدن با مقاومت دلیرانه مجاهدین آن نواحی ، ضربات کوبنده و تلفات سنگین بجا گذاشته و ذلیلانه از آن به عقب نشست .

قوای اشغالگر روسی درآغاز حمله هشتم ، تمام مناطق ، دهات و مواضع مجاهدین را در پنجشیر با استفاده از طیارات (تی ـ یو وسو) به شدت بمباران نمودند و همزمان با حرکت قوای پیاده بسوی دهات وپائین

کردن قوای دیسانت ، درنقاط مورد نظر بار دیگر به بمباران آن نواحی شتافتند و در میان دود گرد و غبار ناشی از بمباران سنگین صدها هلیکوپتر ، افراد قوای مهاجم را در یک نقطه پائین میساخت . اکثرا " بین صد تا سه صد هلیکوپتر برای پیاده کردن وانتقال قوای پراشوتی دشمن در یک منطقه مشغول ماموریت میبوده است افراد پس از پیاده شدن از هلیکوپتر ها آتش خود را بجوانب آغاز میکردند وقوای هوائی و واحدهای توپخانه او که فاصله چندقدمی را جهت پیشروی آنها زیر بمباران و آتش باری قرارمیداد تا افراد بتوانند زیر حمایت آن به پیشروی خود ادامه دهند . قابل یادآوری استکه جانبازان قهرمان اسلام در چند مورد هلیکوپتر ها و افراددشمن را درحین پائین شدن مورد هدف سلاحهای ثقلیه قرار داده که به اثر آن چند هلیکوپتر دشمن منهدم و افراد بی شماری از قوای مهاجم به هلاکت رسیدند . دلاوران اسلام با توکل به ذات الهی به مقابله رویاروی با قوای اشغالگران پرداختند . قوای پیاده شده دشمن به امید آنکه آتش امنیتی توپخانه و بمباردمان سنگین هوائی ، هیچ مانعی در مقابلش باقی نگذاشته است ، به پیش روی خود ادامه میداد ولی در هر چند قدمی ماین ها یکی پس از دیگری آنانرا به گودال مرگ میسپرد . نقطه ها و مسیرهای ماین کاری شده ، پنجشیر را به گورستانی برای ارتش اشغالگر تبدیل کرده بود .

از طرفی دشمن طی این تهاجم خود با کمینهای شیر مردان دلیر وطن روبرو گشته و در دام کمینهای مجاهدین محاصره شده و زیر آتش مرگ قرار میگرفتند و با انبارهای کشته از معرکه نبرد به فرارپا میگذاشتند . نقش موءثر عملیات کمین مبین این اصل عمده استکه اکنون به مرحمت الهی مجاهدین به خوبی با اساسات پیشرفته جنگ آشنائی یافته و جنگ مردم ما با امپریالیست های روسی درحال تکامل است . ومجاهدین اکنون قادر شده‌اند تجارب واندوخته‌های

خود را جمع‌بندی کرده و به نتایج درستری برای ادامه مقاومت مسلحانه دست یابند و این نقطه امیدواری ما برای پیروزی است

همانگونه که میدانیم قوای دیانت درمراحل مختلف حمله هفتم مورد کاربرد وسیع دشمن قرار داشت ، در جریان آن رزمندگان افتخارآفرین اسلام چنان پیکره این " خرس‌کاغذی " دشمن را درهم کوبیده و درمبارزه علیه آن تجاربی آموختند که پس‌ازین قوای فلج شده دیانت نمیتوانست بعنوان یک عامل موءثر و پرتحرک در برابر مجاهدین باشد ، فلهذا درحمله هشتم مجاهدین با روحیه بسیار عالی به نبرد علیه این نیروی پیشرفته ضد چریکی پرداخته و بار دیگر به کمک خداوند متعال پوزه آنرا به خاک یاس مالیدند . دلاوران رشید اسلام موفق شدند علاوه بر منهدم ساختن چندین فروند هلیکوپتر های دشمن ، تعداد زیادی افراد پراشوتی را نیز روانه‌جهنم سازند . چنانکه دشمن پس‌از بجا گذاشتن تلفات سنگین ، راه فرار در پیش گرفت‌و بار دیگر درست بودن این اصل به اثبات رسید که : " قوای دیانت‌دشمن از هرنوع کارآیی و موثریت‌باز مانده است ."

در حمله هشتم محل وقوع اکثر درگیری ها و جنگ ها برخلاف دفعات‌قبلی در دهات‌بوده است ، و ازین جمله مختصاب بارز حمله هشتم به حساب میرود . وقوع جنگ در دهات‌نشانه آنست که قدرت‌نظامی مجاهدین به پیانه وسیعی افزایش‌یافته و از طرفی حکایت‌از آن دارد که دشمن شکست خورده چه قدرت تحرک وتهاجم خود را ازدست داده است . یعنی دشمن این بار بر عکس پلان هایش‌قادر نشد تا از دهات‌بسوی دره‌های فرعی پیشروی کند . درینجا به این نتیجه می رسیم که پائین کردن قوای دیسانت‌و اشغال راه ها و نقاط عمده در اطراف‌پنجشیر خود عملی بوده کاملا" بیهوده .

اگر انگیزه ها واهداف دشمن را درحمله هشتم درست‌ارزیابی کنیم در می یابیم که‌این حمله در واقع به اثر شکست‌حمله هفتم بر دشمن تحمیل

شده است . تحرکواکمال ناقص و محدود و از طرفی از هم گسیختنگی و ناهماهنگی محسو در عمل و حرکت دشمن در نواحی و داخل پنجشیر بازگوی این واقعیت است که دشمن قادر نبوده حمله جدید را خوب تر سازمان داده و اکمال کند . ضربه های پیاپی و برخورد افراد دشمن با مین و کمین های مجاهدین روحیه دشمن را چنان پائین آورده بود که افسران ، افراد خود را جبرا " و بزور برچه و قنداق بطرف مواضع مجاهدین سوق میداد . فرار و سرباز زدن از قوماندہ افسران امر بسیار عادی بشمار میرود . از مجموع این نابسامانی ها به این نتیجه می رسیم که :

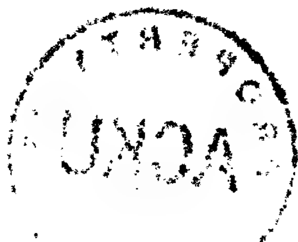
(شکست های ذلت آور ، صلاحیت فرماندهی و شیرازه توماندانی دشمن را بکلی نابود ساخته است .)

مجاهدین دلیر و مردم قهرمان وطن !

بیاری خداوند بزرگ و با آتش موثر مجاهدین ایثارگر بار دیگر هجوم وحشیانه دشمن خون به عقب زده شد و دشمن اشغالگر پس از ده روز جنگ با بجا گذاشتن تلفات زیادی صحنه معرکه را ترک کرد .

طی این جنگ قرار محاسات و اطلاعات موثق ، یک هزار و هفتصدو شصت تن روسی کشته و هشتصد تن زخمی و هم به تعداد یک هزار و سیصد نفر داخلی کشته و زخمی شده است :

همچنان بیشتر از سیزده فروند طیاره جست و هلیکوپتر سرنگون و چهل و یک دستگاه تانک و موتر منهدم شده است . درحالیکه درتمام مدت این حمام سیزده نفر مجاهد و بیش از ده نفر غیر نظامی به شهادت رسیده اند .
(انالله وانا الیه راجعون).



نگران:



M.M. AFGHANISTAN
P.O.BOX 3373
Arlington, VA. 22203
U.S.A.

سازمان مهاجرین مسلمان افغانستان بهیچ کدام از تشکیلات مشخص وابسته
نبوده بلکه در خدمت تمام مردم مجاهد افغانستان میباشد.

مردم مسلمان و خدا جوی افغانستان !

تهاجم هشتم دشمن به نصرت الهی و به همت فرزندان قهرمان شما به شکست قطعی کشانده شده و بار دیگر ارتش فاشیست سرخ در برابر غفلت جهاد دلاوران اسلام ، زانو خم کرد .

این پیروزی مقدمه پیروزی تمام مجاهدین و مقدمه رسیدن به استقلال و آرمانهای اسلامی تمامی ملت بزرگ ماست . امید است از دستآورد خونین ایثار و قربانیهای فرزندان رشید تا نمجدانه حمایت بعمل آورید . و نگذارید عوامل اجیر شده و منافقین فرصت طلب و خود خواه ، این هدیه بزرگ الهی را با تبلیغات سو و دسیسه های شیطانی شان به بادتمسخر وافترا بگیرند و آنرا از دهنیتها بزدایند .

شهر مردان تاریخ ساز اسلام متعهداند تا در دشوار ترین شرایط و در آتش جهانسوز دشمن تا آخرین لحظات حیات ، شرف ناموس ، استقلال ، آزادی و آرمانهای اسلامی وعادلانه این ملت دفاع کنند. پس بر همه ما واجب است تا در پشت جبهه‌ها دست بکارشده وبا کمک های مادی و معنوی این پاسداران راستین اسلام و آزادی را تشویق وحمایت کنیم .

تلاش برای تامین وحدت سرتاسری مجاهدین وبر قراری نظم وجنگ هم آهنگ .

تلاش به خاطرتداوم جهاد مسلحانه وادامه جهاد همه جانبه ، برای نیل به استقلال وانقلاب اسلامی افغانستان !

و من الله التوفیق



بیدفاع پنجشیر در سال ۱۳۶۱ با مقاومت حماسه آفرین مجاهدین روبرو شده و شکست تلیلانه خود را باور کردند ، جبرا " بمجاهدین پیشنهاد اوربند دادند . مسئولین جبههٔ پنجشیر به اجانف علمای جید و بمشوره قوماندانان رشید اسلام بمدت یکسال اوربند با دشمن را پزیرفت که درنتیجه موضع برتر و امتیازات بیشماری کسب نمود . آنچه ما را به پزیرش اوربند ملزم می ساخت ، مصالح جهاد وامور کشور بوده که دلایل آن قرار ذیل است :

بر اساس قوانین و اساسات علمی جنگ ، یک پایگاه به تنهائی قادر نیست درمقابل تهاجم مداوم یک قدرت بزرگ استعماری ایستادگی کند ، ما اوربند را بهترین فرصت غرض گسترش " مناطق پایگاهی " و ایجاد چندین مرکز عمده و سازمان یافته مقاومت دانستیم . تا به این شکل از تمرکز آتش دشمن بریک پایگاه جلوگیری کرده و آن را تقسیم نمائیم ، که به این ترتیب واحدهای کوچک دشمن در هر نقطه در معرض انهدام قرارگیرد و نیروهای مجاهدین بالفعل علیه دشمن بسیج شده و بمقاومت بپردازند .

تفرقه به عنوان یک عامل شیطانی و منفی ، پیروزی جهاد اسلامی و رسیدن به استقلال را تهدید کرده و مقاومت یکپارچهٔ اسلامی مردم ما را آسیب پذیر میسازد .

دلیل دیگر برای پذیرش اوربند ، فرصت کافی داشتن غرض تاءمین وحدت مجاهدین و مردم داخل کشور بعنوان یک ضرورت مبرم بوده است و برخلاف ادعای منافقین این امر بمعنای مخالفت با اتحاد درخارج از کشور نیست ، بلکه تکمیل اتحادسراسری مردم افغانستان با برنامه و برداشتن گام های موءثر و عملی می باشد . در جریان اوربند در جهت برآورده ساختن این اهداف فعالانه عمل شدکه نتایج مثبت و موءثری بجا گذاشت . به اعتقاد ما کارهای که باید طی سالها بسر می رسید ، در مدت کوتاه یکسال بخوبی انجام پذیرفت .

درین زمینه همکاری بی شائبه و استقبال گرم مردم و مجاهدین از برقراری نظم و تعلیم در خور تمجید و تقدیر میباشد .ادامهٔ کار درین زمینه ها با پشتوانهٔ مردمی دشمن مکارو اشغالگر را بوحشت انداخته و دست به دسیسه ها و تحریکات درین مناطق زد و علاوتاً " بارها در پی نقض اوربند افتاد. از آنجائیکه دشمن کمونستی ، عمق وحدت ، نظم و کار اساسی را درک میکرد دیوانه وار در بهار امسال به پنجشیر و حوالی آن حمله آورد ، که ذیلاً" در بارهٔ جزئیات و نتایج این حمله اشاره خواهیم داشت :

آمیریت جبههٔ پنجشیر قبل از آغاز حمله از جزئیات آن اطلاع حاصل نموده وبرای خنثی کردن این تهاجم بیشرمانه راه و طرق لازمی را تجویز نمود . دشمن برای سرکوبی روحیهٔ مقاومت ، خدشه دار ساختن پیوند مردم و مجاهدین و نابود ساختن هر نوع امکان برای ادامهٔ جنگ در نظر داشته است که درجریان این حمله با کشتار وسیع و قتل عام مردم ، تمام مواشی ، مزارع وخانه های مسکونی مردم را نیز منهدم ونابود سازد .

آمیریت جبههٔ پنجشیر بمشوره مسئولین منطقه ازمردم خواست تا هجرت نمایند . مردم در سخت ترین شرایط سرد جوی به هجرت شتافتند . جبهه تمام امکانات خود را به کار برد تا مردم بیگناه و مظلوم برای نجات خود از منطقه بیرون شوند .

صحنهٔ هجرت مردم که همبستگی عمیق مردم و مجاهدین را نشان میداد درتاریخ جهاد کشور از دلخراش ترین و غمبار ترین لحظه های زندگی نیز بشمار میرود . دشمن در نظر داشت قدم به قدم پس از بمبارد بسیار سنگین منطقه ، استفاده از مواد کیمیاوی و گازات زهری کشنده و پیاده ساختن قوای " دلیسانت " یعنی قطعات کوماندو و پراشوتی ، شصت هزار افراد پیادهٔ خود را با واحدهای زرهی و توپخانه وارد منطقه سازد . از آنجائیکه مجاهدین با این گونه

تاکتیک های پیشرفتهٔ جنگ ضد چریکی آشنا نبودند بهتر دانستند با یک " عقب نشینی تاکتیکی مثبت " موقتا " منطقه را تخلیه کنند . با آنهم واحد های کوچک مجاهدین غرض زیر نظر داشتن حرکات و کشف شیوه های کار دشمن درمنطقه باقیماندند . مجاهدین باین " عقب نشینی مثبت " امکان یافتند تا نیروهای خود را از آتش دشمن دور نگهداشته وخود را از دفعیت دفاعی بکشند و روحیه تهاجمی خود را حفظ نمایند .

همزمان با حملهٔ دشمن مجاهدین ما به همکاری سایر گروه های مجاهد " حملات پیشگیرانه " خود را در بیرون از محدودهٔ پنجشیر علیه مراکز و خطوط تدارکاتی دشمن آغاز نمایند .

عملیات تاریخی سپاهیان اسلام بر شاهراه تدارکاتی سالنگ ، (انفجار پل متک و چهار پل دیگر در راه تدارکاتی کابل و پنجشیر ، حمله بر مرکز ولایت (چاریکار) گسترش حملات چریکها در کابل و اعدام مشاوران ومزدوران دولتی و هم منفجر ساختن مراکز دولتی و کانون های فساد و فحشا در کابل از جمله حملاتی استکه میتوان از آن نام برد . قابل یادرآوری استکه طی حمله برسالنگ مجاهدین علاوه بر منفجر ساختن وسایل زرهی و نقلیهٔ دشمن توانستند تعداد بی شماری از افراد آنرانابود سازند و دوازده روز این شاهراه تدارکاتی را مسدود نگهدارند که در پی آن بحران شدیدی در کابل پدید آمد . انهدام های پل های تدارکاتی ، قوای جابجا شدهٔ دشمن در سالنگ را به یک عقب نشینی اجباری وادار ساخت . و طی حمله بر میدان هوائی نظامی در بگرام ده ها فروند از طیارات دشمن با ذخایر محروقات و مهمات آن طعمهٔ حریق گشت . این حملات روحیهٔ سرشار و آمادگی کامل رزمی مجاهدین را برای مقاومت نشان میداد . " عملیات پیشگرانه " دشمن را در آغاز تهاجم زیر ضربه قرار داده ، روحیهٔ آنرا خراب و تضعیف وابتکار عملی را از دستش بیرون ساخت ، و شک شانرا در مورد پیروزی خیالی شان افزوده و اطمینان مردم و مجاهدین را به پیروزی بیشتر

گردانید این عملیات موفقانه و قهرمانانه اولین گام بسوی " پیروزی بـــزرگ" شمرده میشود .

هنگامیکه لشکر فاشیستی سرخ وعناصر خون آشام آن به سنگر مستحـــکم اسلام در پنجشیر هجوم آوردند ، با مقاومت بی نظیر مین های کاشته شده روبـــرو گشتند . مین ها که در راه ها و نقاط احتمالی اجتماع و عبور دشمن جابجــــا شده بود ، با آغوش گرم به استقبال مهاجمان فاشیست شتافته و صدها تن ازافراد مهاجم را به گودال مرگ ذلیلانه فرو می برد . واحدهای کوچک دسته جات محـــدود که در منطقه باقیمانده بودند با آغاز حملات " جنگ و گریز " طی " عملیـــات برق آسا و غافلگیرانه " هزارها تن از ورزیده ترین افراد کوماندوئی دشمـــن را به هلاکت رساندند . این فرزندان افتخارآفرین اسلام چنان پیکر پوسیـــدهٔ دشمن استعمار گر را در هم کوفتند که دستگاه استعماری دچاربحران شدیـــدی گردیده و جنرال " یولای موف " سردستهٔ قوای مهاجم سرخ در پنجشیر ـ دســـت بخود کشی زد .

مهاجمان وقتیکه با منطقهٔ خالی از سکنه مواجه شدند ، نمیدانستند با این همـــه لشکر و سازو برگ چه بکنند واز طرفی مقاومت محدود سپاهیان اسلام و اثـــرات مین ، ابتکارعمل را از دست شان بیرون ساخته و آنان را در یک وضعیت شکســـت قرار میداد .

اشغالگران ستمگر و مارکسیست های بی وجدان در آغاز تهاجم ایشان در پنجشیر بچنان اعمال جنایتگرانه دست زدند که بحق میتوان گفت روی چنگیـــز و هیتلر را سفید کردند . آنانکه روحیه و اعصاب خود را از دست داده و سیمـــای زشت و شکست خوردهٔ شانرا در صفحهٔ کارزار مشاهده کرده بودند ، دســـت بوحشت و بربریت بی سابقه‌ای زدند . آنان تمام خانه‌های مسکونی مردم را بـــا بمباران هوائی و مرمـــی های توپ منهدم کرده و بقیه را دینامیت گذاشته منفجـر ساختند . ظروف وسایل و فرش خانه‌ها را شکسته و حریق میکردند . مــــزارع ،

باغها و کشتزارهای مردم محروم منطقه را به آتش میکشاندند به هزاران راٴس از حیوانات اهلی را بیرحمانه هدف تیر قرارداده و بقتل میرساندند.
فاشیستهای سرخ این ننگ تاریخ تمدن نوع آدم، وحشت را به سرحدی کشاندند که معذورترین و مسن ترین افراد، اعم از زن و مرد راکه قدرت راه رفتن و بیرون شدن از منطقه را نداشتند دستگیر کرده و با بستن دینامیت بر پشت آنان، چنان پیکر نحیف شانرا منفجر می ساختندکه حتی اثری از وجود آنان باقی نمی مانده است. و جائیکه به انسان و یا حیوان دست نمی یافتند، در روی دیوارها تصویر انسانرا نقاشی کرده و آن موجود خیالی را آماج مرمی های خود می ساختند، تا به این ترتیب روان آشفتهٔ سادیستی خود را آرام ساخته و انتقام هزاران کشتهٔ خود را ستانند.
آری ! اینست فرهنگ " مارکسیزم - لنینیزم " و این است شعار " خدمت به خلقهای زحمتکشان جهان " و این است همزیستی مسالمت آمیز و برادرانه و حسن همجواری" چه ننگین و مضحک است که نوکران حلقه بگوش آقای "چرننکو" این هیتلر عصر جدید در کابل از " انقلاب دموکراتیک خلق " ! و مرحله " تکاملی " ! آن که هیچ محصولی جز وحشت، قتل عام وبه آتش کشاندن همهٔ امکانات زندگی مردم مظلوم، نابسامانی، رنج و مرگ و انحطاط نداشته است، نام میبرند. چه بجا و منطقی است تا مزدورانی را که زیر نام " حزب دیموکراتیک خلق " ! و قوای مسلح اردو جمع شده " از مجموعهٔ بشری زمین بیرون دانسته و حیوان درنده شان بخوانیم، که نه از خود ارادهای دارند، نه ضمیری، نه وجدانی، نه ناموسی و نه میهنی، چرا که همه را فروختند. و هم بشریت را از تولد حیوانی جدید باخبر سازیم که از آغاز زندگی بدوی تا زندگی شهر نشینی کنونی با آن آشنا نبوده است. حیوانی که فرهنگ آن ستم، مذهب آن قتل عام و کشتار بی پناهترین انسانهای زمین است.

ننگ و نفرت بی پایان بر این سمبول ها و سکه‌های پشتی ، ذلت ، تسلیم و وطنفروشی باد .

دشمن ذلیل و شکست خورده و دستگاه های آن ـ دستگیری و ترور آمیرت جبههٔ پنجشیر سرکوبی مجاهدین ، برگشت به اصطلاح آرامش در منطقه ، آغاز کارهای عمرانی و جابجا شدن دوبارهٔ مردم را به شدت تبلیغ نمیکرد و این همه را به حساب پیروزی خیالی خود میگذاشته است ، ولی بزودی همه دریافتند که در ابعاد خیلی وسیعی با شکست روبرو شده است . مردم که با سرنای تبلیغاتی رژیم دست نشانده و باداررش آشنائی کامل دارند هرگز دروغ پراکنی های وطن فروشانرا که مشخصهٔ تبلیغاتی تمام مارکسیست ها میباشد ، باور نکرده و همه را بباد مسخرگی گرفتند . رژیم دست نشانده اهالی شریف پنجشیر را غرض اغفال و بازگرداندن بمنطقه ، در اجلاس های جمع کرده و آنان را مورد خطاب قرار میداد ، ولی جواب های دندان شکن و ملال آور چریک های پیرما به خستگی و آشفتگی سیمای شکست خوردهٔ آقایون و رهبران انقلاب دیموکراتیک می افزوده است . رژیم پوشالی صدها موتر دولتی را غرض انتقال مردم به پنجشیر در کنار جاده ها پارک کرده بود ولی این موترها تا ظهر روز همچنان بی مشتری باقیماند که حتی یک فرد هم حاضر به پذیرش تقاضای آقایون نشد و مظاهر شکست خوردگی هرچه بیشتر در پیشانی آقایون رخنه نمود . در رابطه با آن مقاومت دلیرانهٔ اطفال خورد . سال و زنان قهرمان وصف ناپذیر است ، چه مشت ها و لگدهای انقلابی که نثار دهان و تن زنان سراسیمه و ماءیوس سازمانی در کابل نشد!؟ دستگاه استعماری و چاکران بی اراده اش با استفاده از زور وبالت و کوب بی رحمانهٔ مردم بیدفاع قادر می شده است تا چند فامیل را به صورت نمایشی غرض تهیهٔ فلم از آنها به پنجشیر بیاورد ، ولی اندکی بعد آنان به کمک مجاهدین ، دوباره ازمنطقه بیرون می شدند . موج زندانی کردن مردم پنجشیر

و اعمال شکنجه‌های قرون وسطائی در زندان های کابل بالایشان مسند دیگر جنایات و شکست دشمن بشمار میرود .

تا به این ترتیب مردم به عینیت ـ شکست دشمن را لمس کردند ودر افق خونین وطن ، بار دیگر شاهد طلوع ستارهٔ پیروزی مجاهدین شجاع شدند .

مردم شرافتمند ومسلمان وطن !

فرزندان قهرمان شما ومجاهدین ایثارگر اسلام بهمانگونه که متعهد هستند ومسئولیت دینی وتاریخی دارند ، غرض دفاع از منطقه پس از یک " عقب نشینی " تاکتیکی و مثبت " در اول ماه مبارک رمضان از چهار طرف پنجشیر وارد منطقه شده و حملات دفاعی را با روحیهٔ سرشار تهاجمی آغاز نمودند. فرزندان جان برکف و پیروز شما بسرعت به دسته‌جات کوچک تقسیم شده و با حفظ نظم و سازمان یافتگی " عملیات غافلگیرانه کمین و شبیخون " را در سراسر منطقه آغاز نمودند . شیرمردان مجاهد در هر نقطه‌ای درکمین گاه ها نشسته و قوای پراشوتی دشمن را زیر آتش مرگ میگرفتند . دشمن درهر نقطهٔ عملیاتی تاپائین کردن قوای " دیسانت " مجاهدین را در محاصره قرار میداد ، ولی جوانان رشید اسلام با استقامت پولادین ، ضربات مرگبارخود را بر دشمن وارد ساخته و با تحرک سریع ، جنگ را از یک نقطهٔ کوه به نقطهٔ دیگر ، از ارتفاع به عمق دره ها و از عمق دره ها به ارتفاعات میکشاندند . در هیچ لحظه‌ای ودر هیچ نقطه‌ای قوای کوماندوی دشمن از آتش سربازان اسلام درامان باقی نمی ماندند .

جوانان افتخار آفرین اسلام که در دسته جات کوچک ، فعال و متحرک به جنگ دشمن می شتافتند ، به این ترتیب امکان می یافتند تا خطوط محاصره دشمن را درهم شکسته واز جناجین بر" قطعات دیسانت " آتش مرگ را ادامه دهند . گاهی مجاهدین بازیر نظر داشتن خط حرکت دشمن ، در کمین نشسته و دشمن را ازپا در میآوردند . وگاهی با افشای یک نقطه برای جلب دشمن او را بدام مرگ

میانداختند . هزاران تن از ورزیده ترین افراد کوماندوئی ارتش سرخ طی این جنگ ها وبه اثر آتش مرگبار حماسه آفرینان اسلام به گودال سیاه مرگ فرو رفتند . قطعات مهاجم دشمن یکی از پس ازدیگری در برابر عظمت جهاد و جنگ آوران اسلام زانو زدند . حملات ضد کوماندوئی چریک های مسلمان چنان برای دشمن وحشتناک و سهمگین بوده است که افراد دشمن با پرتاب کردن تجهیزات و محموله‌های شان ، روباه صفتانه فرارمیکردند وهم صدها تن دست بخود کشی زده ویا با فیر مرمی برجان خود ، زمینه را برای بیرون شدن از معرکه مساعد ساخته و سرخویش را پناه میکردند . افراد " قوای دیسانت " حتی در هنگام فرار نیز با کمین سپاهیان اسلام روبرو شده و یا درجریان تصادم با مین های ضد پرسونل مجاهدین جان خود را می دادند . به این ترتیب " قوای دیسانت " دشمن بمثابه ستون فقرات این حمله ، قدرت عملی‌مانور خود را از دست داد و اثر گذاری آن بر نتیجهٔ جنگ ، محدود و حتی به صفر تقرب نمود . قوای دیسانت ، دست کشیده و با ایجاد " پوسته‌های امنیتی " و تکیه بر فعالیت های محدود قوای هوائی و پیاده ، عملا" وضعیت دفاعی بخود گرفت شکست " قوای دیسانت " دشمن و فلج شدن آن بمعنای پایان تهاجم دشمن و نزول از مرحله تعرض میباشد . دشمن با تشکیل " پوسته های امنیتی " بر خلاف میل خودش بمرحله جدید کشانده شد .

قابل توجه است که دشمن شکست خورده اطراف پوسته ها را مین گذاری کرده تا از نفوذ چریک های مسلمان و انهدام پوسته ها جلوگیری کند وهم مانع فرار سربازان دولتی بسوی مجاهدین گردد . قابل یاد آوری است که روس ها پس از شکست فاحش " قوای دیسانت " اکثرا " مواضع خود را ترک کرده و قسمت عمدهٔ انبارها ، مهمات ، وسایل و قطعات جابجا شدهٔ خود را از دره بیرون ساختند . تعداد افراد روسی محدود گشته بجای آن نیروهای مزدور و اجیر شدهٔ داخلی را

حملات

هفتم و هشتم

روسها

در درّهٔ پنجشیر

سال ۱۳۶۳



حملات

هفتم و هشتم

روسها

در درّهٔ پنجشیر

سال ۱۳۶۳



و من يتوكل على الله الهوحبه

اعلامیه جمعیت اسلامی افغانستان

امارت پروان ـ کاپیسا

در باره جنگهای اخیر در درهٔ پنجشیر !

از انتشارات شورای فرهنگی امارت عمومی پروان ـ کاپیسا

بسم الله الرحمن الرحيم

جنبش پرتوان آزادیبخش اسلامی مردم قهرمان افغانستان هر روز مراحل عالی تر از تکامل را بسوی رهائی طی میکند. جزوه حاضر که نمونه‌ای بارز ازواقعیت فوق است توسط سازمان مهاجرین مسلمان افغانستان تکثیر یافته و به ملت بت‌شکن افغانستان تقدیم میگردد و ترجمه انگلیسی آن عنقریب به نشر خواهد رسید.

سازمان مهاجرین مسلمان افغانستان

ماه جدی سال ۱۳۶۳

اهداء

به آن دلیر مردان رزم آوری که در قلب شهادتگاه های خونین میهن درفش گلگون جهاد را جسورانه بدوش کشیده و با پایمردی تمام در امر دفاع از اسلام عزیز و نجات زادگاه مرد پرور خویش بی هراس به پیشواز شهادت می شتابند و بر تارک تاریخ بشریت نگین فخر کوبیده اند.

بسمه الله الرحمن الرحيم

کم من فئة قليلة غلبت فئة کثيره باذن الله

" قرآن کريم "

هم ميهنان مسلمان وانقلابی

نخست از همه شهادت قهرمانان اسلام ، آن پاکباختگان رشيد و بخون خفتهٔ وطن را برايتان تبريک و تسليت ميگوييم و سپس سلام ها و تمنيات نيک خود را نثارتان ميکنيم

از خداوند بزرگ جلت عظمته برای شما که در سنگر دفاع از حق ومبارزات برحق فرزندانتان قرار داريد توفيق مزيد آرزو داريم .

همانگونه که اطلاع داريد در اواسط بهار امسال نيروهای اشغالگر ارتش سرخ با پيشقراولی نوکران حلقه بگوش شان به خطه مجاهدين در پنجشير هجوم آوردند اين تهاجم بيشرمانه که با بمباردمان سنگين تمام دهات واستفاده از گازها ، مواد کيمياوی ، شيوه های شيطانی و تبليغات سوء به همراه بوده است تا اکنون به پايان نرسيده است . و حتی وارد پنجمين ماه خود شده است . مجاهدين قهرمان و دلير از همان اوايل حمله تا کنون پيکرهٔ زوال پزير دشمن را مورد حملات شجاعانه قرار داده ، تا آنجا که تمام پلانهای شوم دشمن و تهاجم ظالمانه آن به شکست قطعی کشانده شده است .

دشمن زبون پس از تحمل خسارات و ضربه های سنگين ، هم اکنون روحيهٔ خود را باخته وبا دستپاچگی ديوانه واری درحالت عقب نشينی است . آخرين فعاليت آن بمثابهٔ تلاش های مذبوحانه به نصرت الهی و با هوشياری مجاهدين دلير خنثی خواهد شد .

روس های جنايتکار پس از آنکه طی دو حمله وحشيانه و کشتار وسيع مردم